ادامه از صفحه ۲

جایزه اسکار و فردای سینما و جامعه ایرانی

عده‌ای در دفاع از سنت و دیانت به نقد و نفی نقش و اثر جایزه اسکار برای فیلم فرهادی خواهند پرداخت و عده‌ای هم در دفاع از این اثر هنری به نفی سنت و تاریخ و فرهنگ و دین ایرانی اقدام خواهند کرد. این نوع دوگانه‌گرایی به دوگانه‌گرایی رفتاری و اندیشه‌ای و بینشی به جای وحدت و دستیابی به صلح در مسیری که بوی جنگ می‌دهد، خواهد انجامید. این دو نوع رسانه با دو جهت‌گیری متفاوت، جامعه ایرانی را دوپاره‌تر خواهند کرد و اثر دریافت جایزه اسکار را برای یک گروه جدی‌تر و برای گروه دیگر بی‌ارزش‌تر خواهند کرد. رادیو و تلویزیون و دیگر رسانه‌های رسمی با بی‌اعتنایی دریافت این جایزه و طرح آن در حد یک خبر در مقابل مطبوعات منتقد داخلی و مطبوعات و رسانه‌های خارجی به تجلیل از دست‌اندرکاران و جایزه دریافتی اقدام خواهند کرد. دفاع و اعتراض توامان به واسطه دو گروه متفاوت و متمایز بر دوگانگی ایرانی که در طول سالیان اخیر ماهیتی اجتماعی و فرهنگی پیدا کرده است، خواهد افزود. در حالی که در شرایط جنگ، اتفاقی چون دریافت جایزه اسکار می‌تواند راهی در کاهش تعارضات و دوگانگی‌های فرهنگی و اجتماعی گردد. این اتفاق در صورت مدیریت کلان و ملی می‌تواند از دایره فرهادی و فیلم و اسکار گذر کرده و بر کلیت حیات ایرانی اثرگذار شود. مشروط به اینکه ضمن پذیرش جایزه و موفقیت در سطح جهانی، به صلح و دوستی تا تعارض توجه شود. امکان حضور در صحنه رقابت بین کارگردانان و آثار آنها در سطح جهانی برای نماینده‌ای از ایران که در معرض ورود به جنگ است را فقط می‌توان براساس ساحت دوگانه جنگ توام با صلح یا صلح‌خواهی در متن جنگ‌طلبی توضیح داد. با دقت در مورد نشانه‌ها و رمزهای جاری و ساری در متن زندگی ایرانی و فضایی که این فیلم کاندیدای دریافت جایزه‌هایی پشت سر هم شد، معنای مورد نظر به دست می‌آید. آقای فرهادی کارگردان این فیلم در پاسخ به این سوال که «چه حسی و چه پیامی با دریافت جایزه دارید؟» می‌گوید: خیلی خوشحال هستم و برای ملت خودم و جهان آرزوی صلح و دوستی دارم. آرزوی فرهادی که سازنده فیلمی است که در آن تعارض و تزاحم بین اعضای خانواده و دیگران برای مهاجرت و پشت سر گذاشتن سنت (پدر بیمار، فرهنگ و سنت‌های اجتماعی و...) و رفتن به جامعه‌ای بهتر قرار دارد. محتوای فیلم نشان از تعارض و عدم سازگاری است. در حالی که کارگردان در زمان دریافت اولین جایزه‌ها آرزوی صلح و دوستی برای همه ملل دارد، نشان از ساحت دوگانه ایرانی و جهانی است. از طرف دیگر، جهانی که همه تلاش‌هایش را برای برخورد با ایران سامان داده است و از هر موقعیت و شرایطی برای افزودن فشارها بر ایران استفاده می‌کند، یکباره فیلمی ایرانی را انتخاب می‌کند و در معرض داوری در دستیابی به بهترین و بالاترین جایزه برای فیلم تحت عنوان اسکار قرار می‌دهد. متاسفانه نابسامانی در حوزه فرهنگی و اجتماعی کشور موجب شده است تا دریافت این جایزه ضمن اینکه بر تعارضات درونی جامعه می‌افزاید، سطح انتظار کارگزاران هنری و سینمایی از خود و دیگران را بالا ببرد. این موفقیت می‌تواند به تمایز بین مردم داخل و خارج از کشور بینجامد. با توجه به فقدان بصیرت کافی در حوزه فرهنگ، جایزه دریافتی برای ایرانیان خیر زیادی در پی نخواهد داشت. بیشتر حسرت زندگی بهتر تا وارد شدن به دوره‌ای از حیات هنری بالاتر و بیشتر را در پی خواهد داشت. از فردای دریافت جایزه، بسیاری تلاش خواهند کرد که شرایطی که زمینه تهیه نوع فیلم‌هایی که احتمال دریافت جایزه‌های جهانی و ملی را خواهند داشت، از بین ببرند. در مقابل عده‌ای هم تلاش خواهند کرد صرفا برای دریافت جایزه، فیلم بسازند. رفتار و نگرش متفاوت، برای عده‌ای خوب است که قصد قهرمان شدن دارند و عده‌ای که به تخریب شرایط اقدام می‌کنند ولی برای بخشی از جامعه به جز حسرت، نفرت، اعتراض و حس نابرابری در پی نخواهد داشت. اگر رسانه ملی همراه با مطبوعات منتقد به بررسی جایگاه و اثرات این جایزه اقدام می‌کردند، شرایط فردای هنری و سینمایی ایران متعالی‌تر از امروز می‌شد. در حالی که سکوت یک نوع رسانه و تجلیل نوع دیگر رسانه، بر شکاف درونی فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی افزوده و در نهایت جایزه را به ضد خود تبدیل خواهد کرد. این وضعیت یکی از دلایل کاندیدا شدن یک اثر و نتایج مترتب بر دریافت آن برای ایران است. آخرین سخن اینکه دریافت این نوع جایزه‌ها ضمن اینکه منشاء ظهور و بروز غرور ملی و دینی در سطح جهانی است، راهی برای بعضی از گروه‌های فشار بر جامعه خواهد بود تا در دفاع ناروا و غیرراستین از سنت و هویت زمینه‌های تخریب فرهنگ و خلاقیت را فراهم سازند. همان‌طور که پیروزی تیم‌ملی فوتبال در مقابل تیم‌ملی فوتبال آمریکا شادی‌آفرین بود، موفقیت فیلم فرهادی نماینده فرهنگی ایران نیز در مقابل همه تولیدات فرهنگی و هنری دنیا و حتی آمریکا شادی‌آفرین است. این شادی باید بین همه تقسیم شود نه بین عده‌ای که از قدیم با شادی جریان موفقیت فیلم را در طول چندین ماه گذشته دنبال می‌کردند. اگر شادی همه مردم متوجه هنر و فیلم در ایران از طریق رسانه ملی به دلیل کسب این جایزه جهانی با شادی گروه نخبه و هنر دوست و روشنفکر که از طریق رسانه‌های منتقد غیررسمی همراه شود، کسب جایزه اسکار برای ایرانیان میمون خواهد بود و الا همچنان جنجال سنت و مدرنیته خیالی و توهمی بلواگرایانه برپا خواهد شد و عده‌ای فلک شده و عده‌ای هم دست مزد فلک کردن را گرفته و عده‌ای هم با تهیه بیانیه مزد دیگری خواهند گرفت و حوزه هنر و جامعه و مردم بی‌کلاه خواهد ماند.

سونامی «دانشجو»

■ فرهاد دانشجو ساعاتی پس از مراسم معارفه، سه معاون را از کار برکنار کرد

عبدالله جاسبی، فرهاد و کامران دانشجو

رییس جدید در حال دادویی

شرق،محمدحسین نجاتی: ۳۰سال مدیریت عبدالله جاسبی در بزرگ‌ترین موسسه آموزشی غیردولتی کشور و تلاش شش‌ساله مخالفان برای ورود به قلمروی دانشگاه آزاد اسلامی صبح دیروز با بدرقه جاسبی از سوی فرهاد دانشجو به پایان رسید. ریاستی که نه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و نه محمود احمدی‌نژاد به امضای حکم آن راضی نشدند اما امضا شد و دیروز حجت‌الاسلام محمد محمدیان رییس نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، مخبر دزفولی دبیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، کامران دانشجو وزیر علوم و ثمره هاشمی در مراسم آغاز به‌کار فرهاد دانشجو حضور یافتند. ویژگی این دانشگاه داشتن بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان دارایی، شش میلیون فارغ‌التحصیل، یک میلیون و ۵۰۰ هزار دانشجو، ۳۳ هزار کارمند و املاک فیزیکی معادل ۱۴میلیون مترمربع است. در آخرین تلاش‌ها دو جریان «ورود به دانشگاه آزاد» و «ماندگاری در دانشگاه آزاد» به رقابت پرداختند و رای اعضای شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بر بیانیه‌های هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی متشکل از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، سیدحسن خمینی، حمید میرزاده و عبدالله جاسبی غالب شد. نظر هاشمی‌رفسنجانی مبنی بر عدم امضای حکم فرهاد دانشجو تا طی شدن مراحل قانونی با شائبه امتناع احمدی‌نژاد رییس شورای‌عالی انقلاب فرهنگی از امضای حکم دانشجو همراه شد و با تفویض امضای حکم ریاست دانشگاه آزاد از سوی احمدی‌نژاد به کامران دانشجو وزیر علوم، توپ در زمین وزیر علوم افتاد تا او در کمترین زمان رییس سابق دانشگاه تربیت مدرس را رییس دانشگاه آزاد اسلامی معرفی کند. در نهایت سرنوشت ریاست بر دانشگاه آزاد اسلامی در فضایی فارغ از منازعات رسانه‌ای رقم خورد. جایی که طرفین اصلی و تعیین‌کننده ریاست بر این دانشگاه براساس توافق یا تصمیمی یک طرفه جانشین جاسبی را به سلسله ساختمان‌های مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی در خیابان پاسداران فرستادند. البته فرهاد دانشجو شروع «سونامی» گونه‌ای نیز در بدو ورود خود به دانشگاه آزاد اسلامی داشت. او در اولین اقدام خود سه معاون نزدیک به عبدالله جاسبی را در معاونت های آموزشی، پژوهشی و اداری مالی برکنار و مدیران خود را جایگزین آنها کرد.

دانشجو چگونه به ریاست رسید

سوم خرداد سال ۱۳۸۹ پس از فروکش کردن غوغای رسانه‌ای وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی و آغاز بررسی اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی، فرهاد دانشجو از سمت خود در دانشگاه تربیت مدرس تهران کناره‌گیری کرد. کناره‌گیری‌ای که به دلیل احتمال ریاست او بر دانشگاه آزاد اسلامی تحلیل شد اما تکذیب‌های قوی و محکم او احتمال این اقدام را در فضای رسانه‌ای کشور کاهش داد.

همزمان کامران دانشجو وزیر علوم نیز ضمن حاضر شدن در مراسم تودیع برادرش و معارفه رییس جدید، دلیل دیگری را برای رضایت از کناره‌گیری فرهاد دانشجو عنوان کرد.

وزیر علوم با اشاره به اینکه «پدر و مادرم نیاز به مراقبت بیشتری دارند و به همین دلیل برادرم استعفا داد» در آن تاریخ عنوان کرد: از قبل از وزارت بنده، فرهاد دانشجو استعفا داده بودند و طی صحبتی که با یکدیگر داشتیم قرار بود به مراقبت بیشتر پدر و مادرمان بپردازند. پس از وزارت بنده از ایشان خواستم بماند، چرا که رفتن وی در آن عرصه برداشت‌های غلطی را ممکن بود به جا بگذارد. ایشان ماندند تا یکی، دو ماه پیش که مجدد درخواست خود را با توجه به وضعیت پدر و مادرمان مطرح کردند. پدر و مادرمان نیازمند مراقبت بیشتری هستند و این مسوولیت را ایشان پذیرفته‌اند.

پس از آن بود که فرهاد دانشجو بنا بر آنچه مراقبت از پدر و مادر عنوان شده بود از سمت خود کناره‌گیری کرد اما پس از تصویب اساسنامه جدید دانشگاه آزاد اسلامی و بند جدید آن مبنی بر معرفی رییسی جدید در این دانشگاه با رای هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی باز هم فرهاد دانشجو و اظهاراتش به‌عنوان سر فهرست گزینه‌های مورد توافق دولت و نهاد رهبری در دانشگاه‌ها به تیتر رسانه‌های نزدیک به دولت تبدیل شد.

تا اینکه باز هم فرهاد دانشجو بود که خبرهایی از تشکیل جلسه هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی برای معرفی رییس جدید این دانشگاه را با موافقت شورای‌عالی انقلاب فرهنگی ارایه کرد. با بالاگرفتن بحث‌ها در رابطه با گزینه‌های پیشنهادی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی و بازار داغ گزینه‌های اصلی جایگزینی جاسبی، فرهاد دانشجو کماکان بر موضع خود مبنی بر عدم تمایل بر ریاست بر دانشگاه آزاد پافشاری کرد.

اما تناقض‌هایی همچون انتشار خبر برگزاری جلسه مشترک میان محمود احمدی‌نژاد، فرهاد دانشجو، مرضیه وحیددستجردی و حجت‌الاسلام محمد محمدیان برای به توافق رسیدن بر ریاست فرهاد دانشجو معادله ریاست بر این دانشگاه را مجهول‌تر کرد. اما معادله مجهول موافقت احمدی‌نژاد با ریاست فرهاد دانشجو به دست خود او معلوم شد. فرهاد دانشجو در واکنش به خبری که از نظر مثبت رییس‌جمهور بر ریاستش در دانشگاه آزاد منتشر شد، ضمن تشکر از رییس‌جمهور اعلام کرد: برای من افتخاری است که رییس‌جمهور بر ریاست بنده بر دانشگاه آزاد نظر مثبت داشته باشد اما برای من تکلیف، مساله شرعی است و تمایل ندارم به این سوال پاسخی بدهم زیرا مایل نیستم بگویم اگر رییس‌جمهور دستور بدهد، کاری را انجام نمی‌دهم. در هر حال مرجعی که مسایل شرعی را تعیین می‌کند، رهبری است. فرهاد دانشجو متولد دامغان و دارای رتبه استادتمام در رشته مهندسی سازه و مهندسی زلزله از گرایش‌های رشته مهندسی عمران در دانشگاه تربیت مدرس است. او برادر کامران دانشجو وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دولت دهم و خسرو دانشجو عضو شورای اسلامی شهر تهران است. فرهاد دانشجو دارای مدرک کارشناسی مهندسی عمران و کارشناسی‌ارشد مهندسی سیستم‌های اطلاعات از دانشگاه کوئن مری انگلستان است. وی همچنین دکتری خود را در رشته مهندسی عمران در گرایش مهندسی سازه و مهندسی زلزله از کشور انگلستان دریافت کرده است.اما راه دانشجو آنچنان که تصور می‌شود هموار نیست. در آخرین ساعات روز گذشته سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی از بی‌اعتباری مدرک دانشجو سخن به میان آورد. در همین رابطه نیز فرهاد دانشجو در گفت‌وگو با «شرق» در رابطه با اعتبار مدرک تحصیلی خود عنوان کرد: شبهه‌ای به مدرک من وارد نیست و دوستانی که این ادعا را مطرح کرده‌اند بهتر است ادله خود را مبنی بر بی‌اعتباری این مدرک مطرح کنند.

> **در نهایت سرنوشت ریاست بر دانشگاه آزاد اسلامی در فضایی فارغ از منازعات رسانه‌ای رقم خورد. جایی که طرفین اصلی و تعیین‌کننده ریاست بر این دانشگاه براساس توافق یا تصمیمی یک طرفه جانشین جاسبی را به سلسله ساختمان‌های مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی در خیابان پاسداران فرستادند**

جاسبی چگونه رفتنی شد

«امسال به دلیل بالا رفتن حقوق استادان و هیات علمی، مجبور به افزایش شهریه شدیم و در صورتی که دولت به دانشگاه آزاد کمک کند، این افزایش حذف خواهد شد.» عبدالله جاسبی، رییس ۲۷ساله دانشگاه آزاد در ۲۱شهریور ۸۴ در حاشیه مراسم افتتاح دانشگاه آزاد واحد گرگان با اعلام این موضوع آفند و پدافندهای دانشگاه آزاد و دولت را کلید زد. با وجود افزایش چندباره شهریه، این مساله با اعتراض دانشجویان و حمایت دولت مواجه شد؛ به‌طوری که رییس‌جمهور در سفر استانی خود به ایلام در ۱۱ آذر ۸۴، در جمع استادان و دانشگاهیان اعلام کرد: «قرار شده است که آقای جاسبی شهریه‌ها را پایین بیاورد.» رییس‌جمهور همچنین افزود: «اگر این کار صورت نگیرد، جاسبی را جریمه می‌کنیم و اگر باز پایین نیامد، جریمه آقای جاسبی را سنگین‌تر خواهیم کرد.» این اظهارات احمدی‌نژاد البته بی‌پاسخ نماند و به نوعی کارساز هم نشد و کریم زارع معاون کهنه‌کار دانشگاه آزاد گفت: «شهریه‌ها کاهش نخواهد یافت بلکه به جای این کار، به دانشجویان وام می‌دهیم.» با این حال، جرقه‌های این موضوع به بهارستان و به جمع نمایندگان و برخی چهره‌های دانشگاهی حامی دولت رسید و بحث افشاگری علیه دانشگاه آزاد از سوی کسانی همچون علیرضا زاکانی و عباس سلیمی‌نمین آغاز شد. تلاش این افراد جدای از مناظره‌های داغ در تریبون‌های دانشجویی، صحن مجلس را هم در برگرفت و علیرضا زاکانی در کسوت رییس کمیته تحقیق و تفحص از آموزش عالی کشور طی نامه‌ای به حداد عادل، رییس مجلس هفتم از عدم همکاری دانشگاه آزاد در طرح تحقیق و تفحص به شدت انتقاد و اعلام کرد: «متاسفانه دانشگاه آزاد با وجود حسن نیت، نگاه فنی و کارشناسانه هیات تحقیق و تفحص از آموزش عالی در قبال پرسش‌های تخصصی و مطالبات هیات، عدم همکاری را پیشه خود کرده و ضمن تاخیر چند ماهه در پاسخگویی اولیه ریاست محترم این دانشگاه، تعلل، برخوردهای خاص و ناصواب، عدم برآورده‌سازی مطالبات تخصصی و تعامل غیرمثبت با کارشناسان را در دستور کار خود قرار داد.» از سوی دیگر دانشگاه آزاد اسلامی نیز با مطرح کردن مساله وقف اموال دانشگاه، اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی را یک سال به تاخیر انداخت. غایله‌ای که پس از یک سال و بعد از اطلاعیه دانشگاه آزاد مبنی بر استیذان از نظر رهبری موجب شد که ناگهان ورق بر خلاف دانشگاه آزاد برگردد. برهمین اساس دفتر مقام معظم رهبری اطلاعیه‌ای صادر کرد که متن آن به این شرح بود: در پی صدور بیانیه هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۱۳۸۸/۶/۷ در مورد وقف اموال و دارایی‌های این دانشگاه، یک مقام آگاه در دفتر مقام معظم رهبری اعلام کرد: موافقتی از ناحیه رهبر معظم انقلاب اسلامی درخصوص وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی اعلام نشده است.

امضای هاشمی چگونه بی‌اثر شد

امتناع همزمان آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و محمود احمدی‌نژاد با خط و ربط‌های سیاسی خاص خود از امضای حکم ریاست فرهاد دانشجو در نوع خود تامل‌برانگیزاست.

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که در روز ۳۱ اردیبهشت سال ۱۳۶۱ در خطبه نماز جمعه تهران برای اولین بار از طرحی به نام دانشگاه آزاد اسلامی سخن گفت، پس از ۲۹ سال از تاسیس این دانشگاه و ریاستش بر هیات موسس این دانشگاه از امضای حکم ریاستی امتناع کرد که حواشی غالب بر آن نهایتا امضای او بر پای حکم ریاست را بی‌اثر کرد. عبدالله جاسبی در خاطرات خود می‌نویسد: «جناب آقای آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، اساسنامه این دانشگاه و طرح آن را خدمت حضرت امام رضوان‌الله تعالی عرض کردند و حضرت امام در حقیقت با تایید و کمک ۱۰ میلیون ریالی خود، پایه اولیه و اصلی این دانشگاه را پی‌ریزی کردند... بزرگ‌ترین حمایتی را که همواره این دانشگاه داشته، این است که شروع کارش چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی با دست مبارک امام(ره) بوده است.» برخی از مدیران ارشد دانشگاه آزاد اسلامی و منتقدان این دانشگاه به توافق نقش هاشمی‌رفسنجانی را در توسعه دانشگاه آزاد اسلامی بسیار اثرگذار معرفی می‌کنند. مدیران دانشگاه آزاد حمایت‌های معنوی او را از این دانشگاه و مدیریتش بر منابع این دانشگاه را دلیلی بر توسعه و منتقدان حمایت‌های مالی و استفاده از امکانات دولتی در دوران سازندگی برای دانشگاه آزاد اسلامی را جزو سهم او در توسعه دانشگاه آزاد اسلامی تحلیل می‌کنند. اما حکایت امتناع هاشمی‌رفسنجانی از امضای حکم ریاست دانشجو متفاوت‌تر از نظر موافقان و مخالفان است. هاشمی‌رفسنجانی در غوغای دولتی‌ها برای ورود به دانشگاه آزاد اسلامی روایت‌های متفاوت‌تری داشت. او پس از فروکش کردن غوغای وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی با بیان اینکه هیچ کار بزرگ و تاریخ‌سازی به دور از مانع و مشکل و غرض‌ورزی حسودان نبوده است، تاکید کرد: دانشگاه آزاد اسلامی با لطف خداوند، عنایت امام راحل و زحمات مدیران و مردم شکل گرفته و قطعا روزبه‌روز ماندنی‌تر و مستحکم‌تر خواهد شد. پس از آن نیز پیش از برگزاری جلسه هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی با تکرار موضع خود عنوان کرد: سروصداهای جامعه مربوط به دانشگاه آزاد است اما از این‌فضای پرسروصدا در سکوت به توسعه می‌پردازد، البته می‌ترسم بعد از این همایش سروصدا بلند شود؛ چرا که چیزهای خوب که پیدا می‌شود، هم حسود پیدا می‌کند و هم طمعکار؛ چرا دانشگاهی که این همه خدمت می‌کند، این همه حسود پیدا می‌کند. ایستادگی هاشمی بر عملکرد دانشگاه آزاد اسلامی با رای اکثریت اعضای هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی همراه شد. ریاست او بر هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی در شرایطی بود که اکثر رسانه‌های دولتی منتظر اعلام نام رییس جدید دانشگاه آزاد اسلامی بودند. اما رای یک طرفه برخی اعضای هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی متشکل از حجت‌الاسلام محمدیان رییس نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، کامران دانشجو وزیر علوم، مرضیه وحیددستجری وزیر بهداشت و فریدون عزیزی به فرهاد دانشجو غوغای ریاست بر دانشگاه آزاد را وارد بحرانی‌ترین شرایط خود کرد. اعضای رای‌دهنده به فرهاد دانشجو ریاست او را در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رساندند، اما طبق اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی مصوب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی ریاست دانشجو باید به تایید رییس هیات امنای دانشگاه آزاد برسد. با این حال، امتناع هاشمی‌رفسنجانی از امضای حکم دانشجو کار را به جایی رساند که در نهایت سرنوشت ریاست بر دانشگاه آزاد اسلامی در فضایی جدا از منازعات رسانه‌ای رقم خورد. جایی که طرفین اصلی و تعیین‌کننده ریاست بر این دانشگاه بر اساس توافق یا تصمیمی یک طرفه جانشین جاسبی را به سلسله ساختمان‌های مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی در خیابان پاسداران فرستادند.

امضای احمدی‌نژاد چگونه تفویض شد

«رییس‌جمهور در شرایط فعلی ایجاد حاشیه برای این مساله و تعیین ضرب‌الاجل برای امضای حکم دانشجو را به صلاح کشور ندانسته است و این نکته را مطرح کرد که اگر هاشمی پس از ارایه برنامه‌های دانشجو مجددا از امضای حکم امتناع کند، در جلسه بعدی شورا در این‌باره تصمیم‌گیری می‌شود.» تشکیل هیات پنج نفره مذاکره با هاشمی‌رفسنجانی، اظهارنظر فرهاد دانشجو در رابطه با بی‌اهمیت بودن نظر احمدی‌نژاد نسبت به ریاست او، امتناع از امضای حکم دانشجو در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و تفویض حکم ریاست دانشگاه آزاد از سوی احمدی‌نژاد به کامران دانشجو تکه‌های پازلی برای مخالفت احمدی‌نژاد با ریاست دانشجو است.

هیچ‌کس مغموم‌تر از جاسبی نبود

برادران دانشجو شادترین روز چند ماه اخیر را سپری کردند

پنجره

بیانیه هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی

■ شرق: هم‌زمان با شروع به کار فرهاد دانشجو به‌عنوان دومین رییس دانشگاه آزاد، هیات موسس این دانشگاه در بیانیه‌ای توضیحاتی در رابطه با روند انتخاب وی به عنوان رییس دانشگاه ارایه کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: با وجود تصریح مقام معظم رهبری در نامه فوق‌الذکر مبنی بر اینکه این دانشگاه یک موسسه غیرخصوصی و غیردولتی است و نباید به گونه‌ای عمل شود که شایبه دولتی شدن دانشگاه آزاد اسلامی را القا نماید، در جلسه ۶۹۶ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۲ شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، طی ماده‌واحده‌ای تشکیل جلسه هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی را به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری محول کردند تا درخصوص معرفی رییس پیشنهادی دانشگاه آزاد اسلامی به شورای‌عالی انقلاب فرهنگی تصمیم‌گیری شود. در ادامه تصریح شده است: با همه این اوصاف، به دلیل اطلاع از نداشتن اکثریت در هیات امنا، برای تعیین و معرفی رییس جدید، باز هم از ابلاغ مصوبه خودشان خودداری کردند، تا بالاخره با تصور کهنه شدن دستور مقام معظم رهبری، در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۹/۱ شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه دیگری مبنی بر عدم حق رای رییس وقت دانشگاه آزاد اسلامی (که هم از موسسین دانشگاه و هم عضو هیات امناست) برای انتخاب رییس دانشگاه از تصویب شورا گذشت، که با این مصوبه تعادل اعضای هیات امنای را - که قبلا یک‌بار به‌دستور مقام معظم رهبری اصلاح شده بود - به نفع اعضای دولتی هیات امنا به‌هم زدند! شایان ذکر است که رییس این دانشگاه پس از ۳۰سال مسوولیت که دانشگاه را از صفر به این مرحله از رشد و بالندگی رسانده است از حق رای برای تعیین رییس بعدی محروم می‌گردد اما یکی از اعضای تازه‌وارد به هیات امنا که هیچ‌گونه نقشی در ایجاد بنای رفیع این دانشگاه نداشته، می‌تواند به خودش برای کسب کرسی ریاست دانشگاه رای بدهد؛ موضوعی که همه حقوقدانان آن را عجیب و غیرقابل توجیه می‌دانند. هیات موسس در بیانیه خود پرسیده است: چرا علی‌رغم اینکه بررسی‌ها نشان داده بود که آمار ارایه‌شده در رزومه‌های بعضی نامزدها در مورد توانایی‌ها یا عملکرد علمی ایشان کاملا مخدوش بود و قرار بود با ارایه مدارک مستندی که در دست بود چگونگی را از نامزدهایی که آمار و اطلاعات غلط از عملکرد خود به هیات امنا ارایه داده بودند سوال شود، این فرصت و بررسی این مهم از هیات امنا سلب شد؟ و وزارت علوم هم در مورد صحت و سقم رزومه‌ها رسیدگی نکرد. مسلم است که ارایه اطلاعات غلط به هیات امنا صلاحیت هر نامزدی را برای احراز این مسوولیت مهم به‌طور خودبه‌خود از او سلب می‌کند. نویسندگان بیانیه تصریح کرده‌اند: با امعان نظر به مصوبه مورخ ۹۰/۹/۲۱ هیات امنا، رییس هیات امنا به عنوان بالاترین رکن این هیات یا دبیر هیات امنا با استناد به تبصره ۳ از ماده ۱۱ اساسنامه تنها ارکان قانونی برای تنظیم صورتجلسه هیات امنا و انعکاس آن به شورای‌عالی انقلاب فرهنگی هستند و اقدام وزیر علوم در تدوین و ارسال صورتجلسه‌ای مجعول بدون امضای رییس و دبیر هیات امنا خلاف موازین قانونی و غیرقابل استناد است و آنچه به شورای‌عالی فرهنگی ارایه شده صورتجلسه و رای هیات امنا یعنی بر اساس مفاد ماده تبصره ۳ ماده ۱۱ اساسنامه دانشگاه مصوب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نیست. در این بیانیه آمده است: بعد از مصوبه شورای هیات پنج‌نفره منتخب شورا در ملاقات با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی رییس هیات امنا نظر ایشان مبنی بر تشکیل جلسه مجدد هیات امنا را معقول و منطقی دانستند و با طرح آن در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، آن شورا در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۵ خود مصوبه‌ای را در ۲ بند تصویب و توسط دبیر شورا مراتب مذکور را کتبا در تاریخ ۹۰/۱۱/۲۹ به رییس هیات امنا تسلیم کرد. در بند ۱ مصوبه شورا تصریح به تشکیل جلسه مجدد هیات‌امنا شده بود و در بند دوم اعلام شده که در صورت عدم امضای حکم ریاست دانشگاه پس از یک ماه از تاریخ تصویب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، رییس‌جمهور حکم ریاست دانشگاه را امضای می‌کند. به همین لحاظ رییس هیات امنا با آقای دکتر ولایتی که در جریان اخیر نقش رابط را داشتند مذاکره و نامبرده در مورد تشکیل جلسه هیات امنا نظر موافق اعضا را اعلام کرد بنابراین اعضای هیات امنا برای تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۰ در جهت به سرانجام رساندن موضوع ریاست دانشگاه دعوت شدند. در پایان نیز گفته شده است: با توجه به مراتب مذکور و تبصره ۱ ماده ۱۱ اساسنامه جدید دانشگاه آزاد اسلامی، تشکیل جلسات فوق‌العاده هیات امنا می‌تواند به پیشنهاد سه نفر از اعضای جلسه صورت پذیرد. از آنجایی که به استناد بند ۲ ماده -۱۰ اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی سه نفر از اعضای هیات موسس، عضو هیات امنای نیز می‌باشد بنابراین پیشنهاد تشکیل جلسه فوق‌العاده هیات‌امنا که در مصوبه هیات موسس آمده با توجه به مراتب مذکور کاملا قانونی و برای اثبات حسن‌نیت هیات موسس در حل قانونی مشکل بوده است. اما متاسفانه بدون توجه به حسن نیت هیات موسس و عدم انتخاب راه‌حل قانونی آقایان وقتی دیدند بنا بر حل مساله از طریق قانونی است، به طرف راهی رفتند که نتیجه آن معلوم شد. درحالی‌که اگر فقط دو روز صبر می‌کردند مشکل به شکل قانونی حل می‌شد. همانطور که در ابتدا اشاره شد نظر مقام معظم رهبری مبنی بر منع عملی بود که شایبه دولتی بودن دانشگاه آزاد اسلامی را داشته باشد. صدور حکم ریاست دانشگاه آزاد توسط وزیر علوم و تغییرات مکرر مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نشانگر چیست؟ اگر کسانی قصد داشتند فرمان رهبری را در مورد شایبه دولتی شدن دانشگاه آزاد اسلامی نقض کنند چه کاری بیش از آنچه انجام دادند، می‌توانستند انجام بدهند؟